

چکیده

مزدیسنا نام دین زرتشت است که در دوران کهن، دین رسمی ایرانیان محسوب می‌شد. این دین رفته‌رفته در فرهنگ، باورها، اعتقادات و حتی کلام و سخن مردم تأثیر گذاشته و بسیاری از اصطلاحات و واژه‌های مربوط به این دین وارد زبان فارسی گردید. بسیاری از شاعران و نویسندگان ادب فارسی، در آثار خود به صورت خواسته و گاه ناخواسته از این اصطلاحات بهره برده‌اند. شناخت و بررسی ریشه‌های اصلی واژه‌های مزدیسنا ما را به شناخت بیشتری از این دین و همچنین به میزان رسوخ و جایگاه ویژه‌ی این دین در فرهنگ و ادب فارسی رهنمون می‌سازد. از این‌رو این پژوهش با هدف شناخت و کاربردهای اصطلاحات مزدیسنا در حدیقه‌الحقیقه سنایی غزنوی با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. نتایج حاصل نشان داد که سنایی از اصطلاحات مزدیسنا در حدیقه‌ی خود بیشتر در جهت بیان مفاهیم عرفانی، عشق و اخلاقیات استفاده کرده است. از میان اصطلاحات مزدیسنا -که در حدیقه مورد بررسی قرار گرفت- به چهار دسته‌ی عناصر طبیعی، غیرطبیعی، شخصیت‌ها و سایر موارد دست یافتیم که از این میان استفاده از اصطلاحات مربوط به عناصر طبیعت بیشترین بسامد را نسبت به سایرین دارا بودند. همچنین از مجموع اصطلاحات بررسی شده واژه‌هایی آتش، آفتاب، می و وابسته‌های آن، ایزد، دیو و مغان بیشترین کاربرد را در اشعار حدیقه‌ی سنایی دارا هستند.

کلید واژه‌ها: زرتشت، مزدیسنا، عرفان و تصوف، شعر فارسی، حدیقه‌الحقیقه و سنایی.